



۴۱ قانون قدرت

www.ketab.ir

رأبوت گرین

ساحل حسینی

سرشناسه	گرین، رابرت، ۱۹۵۹-م. Greene, Robert, 1959-
عنوان و نام پدیدآور	۴۸ قانون قدرت/ رابرت گرین؛ [ترجمه] ساحل حسینی.
مشخصات نشر	تهران: نیک فرجام، ۱۴۰۰.
مشخصات ظاهری	۴۵۲ ص: ۱۴×۲۱ س.م.
شابک	978-622-258-161-9
وضعیت فهرست نویسی	فیپا:
یادداشت	عنوان اصلی: The 48 laws of power, 1998.
یادداشت	کتاب حاضر توسط مترجمان و ناشران متفاوت در سالهای مختلف منتشر شده است
عنوان گسترده	چهل و هشت قانون قدرت.
موضوع	قدرت (فلسفه) (Power (Philosophy کنترل (روان شناسی) (Control (Psychology حسینی، ساحل، ۱۳۶۴- مترجم
شناسه افزوده	BD۴۳۸
رده بندی کنگره	۳۰۳/۳
رده بندی دیویی	۷۶۷۵۱۲۴
شماره کتابشناسی ملی	
اطلاعات رکورد کتابشناسی	

www.ketab.ir



انتشارات نیک فرجام

مرکز پخش: میدان انقلاب، خیابان
دانشگاه، کوچه رستمی، پلاک ۶
تلفن: ۶۶۴۹۵۸۸۷
۶۶۹۷۲۸۱۷
۶۶۹۵۳۳۱۵

- ♦ ۴۸ قانون قدرت
- ♦ نوشته‌ی رابرت گرین
- ♦ ترجمه‌ی ساحل حسینی
- ♦ ویراستار زهرا ابراهیمی قزوینی
- ♦ ناشر نیک فرجام
- ♦ نوبت چاپ اول ۱۴۰۱
- ♦ تیراژ ۱۰۰۰ نسخه
- ♦ حروفنگاری آبان گرافیک
- ♦ شابک ۹ - ۱۶۱ - ۲۵۸ - ۶۲۲ - ۹۷۸
- ♦ قیمت ۲۴۸۰۰۰ تومان

فهرست مطالب

پیشگفتار	۵
۱: هرگز از استاد دوری نکنید	۱۳
۲: هرگز به دوستان اعتماد زیادی نکنید، یاد بگیرید چگونه از دشمنان استفاده کنید	۲۰
۳: نیت خود را پنهان کنید	۲۸
۴: همیشه کمتر از آن چه لازم است بگویید	۴۴
۵: به شهرت وابسته باشید - با زندگی خود از آن محافظت کنید	۵۰
۶: به هر شکلی که شده توجه همه را به خود جلب کنید	۵۸
۷: دیگران را وادار کنید تا کار را برای شما انجام دهند، اما همیشه اعتبار را بگیرید	۷۰
۸: دیگران را جذب خود کنید و اگر لازم کنید از آن‌ها به عنوان طعمه استفاده کنید	۷۶
۹: هرگز با بحث و مجادله، پیروزی خود را به رخ نکنید بلکه آن را با عمل نشان دهید	۸۲
۱۰: سرایت عفونت: از افرادی که زانوی غم بغل می‌کنند و بداقبال هستند، دوری کنید	۸۹
۱۱: یاد بگیرید که مردم را به خود وابسته نگه دارید	۹۵
۱۲: برای خلع سلاح کردن قربانی خود از صداقت و سخاوت استفاد کنید	۱۰۲
۱۳: هنگام در خواست کمک از شخصی روی منافی که از این کمک نصیص می‌شود تأکید کنید	۱۰۸
۱۴: خود را یک دوست جا بزنید، به عنوان یک جاسوس کار کنید	۱۱۴
۱۵: دشمن خود را کاملاً در هم بشکنید	۱۲۰
۱۶: از نبود خود برای بالا بردن احترام و عزت نفس استفاده کنید	۱۲۸
۱۷: دیگران را در تردید و ترس نگه دارید و فضایی غیرقابل پیش‌بینی را ایجاد کنید	۱۳۵
۱۸: برای محافظت از خود دژ نسازید. انزوا خطرناک است	۱۴۲
۱۹: بدانید با چه کسی سروکار دارید، به شخص اشتباه توهین نکنید	۱۴۹
۲۰: به هیچ کس تعهد ندهید	۱۵۷
۲۱: برای فریب دادن آدم‌های احمق، احمقانه رفتار کنید	۱۶۹
۲۲: از تاکتیک تسلیم استفاده کنید: ضعف را به قدرت تبدیل کنید	۱۷۵

- ۲۳: نیروهای خود را متمرکز کنید ۱۸۳
- ۲۴: نقش یک درباری کامل را ایفا کنید ۱۸۹
- ۲۵: خود را از نو خلق کنید ۲۰۴
- ۲۶: دست‌هایتان را آلوده نکنید ۲۱۳
- ۲۷: از نیازها و ضعف‌های دیگران نهایت استفاده را ببرید تا طرفدارانی دو آتشه داشته باشید ۲۲۹
- ۲۸: اقدام جسورانه انجام دهید ۲۴۲
- ۲۹: کل مسیر را از ابتدا تا انتها برنامه‌ریزی کنید ۲۵۱
- ۳۰: دستاوردهای خود را به سادگی و به راحتی نشان دهید ۲۵۹
- ۳۱: گزینه‌ها را کنترل کنید، دیگران را وادار کنید که همان کارهای مورد نظر شما را بازی کنند ۲۶۷
- ۳۲: تخیل مردم را به بازی بگیرید ۲۷۶
- ۳۳: نقاط ضعف دیگران را کشف کنید ۲۸۴
- ۳۴: رفتاری شاهانه داشته باشید: مانند یک پادشاه رفتار کنید تا مانند یک پادشاه با شما رفتار شود ۲۹۶
- ۳۵: مدیریت زمان یک هنر است آن را ماهرانه بیاموزید ۳۰۵
- ۳۶: از چیزهایی که نمی‌توانید داشته باشید بیزار باشید: نادیده گرفتن آن‌ها بهترین انتقام است ۳۱۴
- ۳۷: نمایشی جذاب ایجاد کنید ۳۲۴
- ۳۸: همان‌طور که دوست دارید فکر کنید اما مانند دیگران رفتار کنید ۳۳۲
- ۳۹: برای گرفتن ماهی، آب را هم بزنید ۳۴۰
- ۴۰: از چیزهای رایگان دوری کنید ۳۴۸
- ۴۱: پایتان را در کفش بزرگان نکنید ۳۶۴
- ۴۲: کافی است به چوپان ضربه بزنید، گوسفندها پراکنده می‌شوند ۳۷۵
- ۴۳: روی قلب و ذهن دیگران کار کنید ۳۸۴
- ۴۴: خلع سلاح کردن و عصبانی ساختن با اثر آینه‌ای ۳۹۲
- ۴۵: نیاز به تغییر را تبلیغ کنید، اما هرگز یک باره به اصلاحات زیاد نپردازید ۴۱۰
- ۴۶: هرگز بسیار کامل به نظر نرسید ۴۱۹
- ۴۷: از هدفی که تعیین کرده‌اید پا را فراتر نگذارید و بیاموزید کجا ترمز کنید ۴۳۰
- ۴۸: خود را به هیچ فرم و قالبی محدود نکنید ۴۳۹

پیشگفتار

وقتی احساس درماندگی و بدبختی می‌کنیم، احساس عدم قدرت بر افراد و رویدادها به‌طور کلی برای ما غیر قابل تحمل است. هیچ‌کس قدرت کمتری نمی‌خواهد. همه خواهان قدرت بیشتری هستند. با این حال، در دنیای امروز، خطرناک است که بیش از حد تشنه قدرت به نظر بیایید و یا قدرت خود را نشان دهید. ما باید عادل و شایسته به نظر برسیم؛ بنابراین ما باید زیرک - خوش برخورد و در عین حال حلیه‌گر، دموکراتیک و فریبکار باشیم. این بازی دوگانه همیشگی بیشتر شبیه پویایی قدرتی است که در دنیای مکر دربار اشرافی قدیمی وجود داشت. در طول تاریخ، یک دربار همیشه پیرامون شخص در قدرت شاه، ملکه، امپراتور، رهبر شکل گرفته است. درباریان که این بارگاه را پر می‌کردند در موقعیت بسیار ظریفی قرار داشتند: «آن‌ها باید به اربابان خود خدمت می‌کردند، اما اگر به نظر می‌رسید که چالوسی نموده یا آشکارا لطف می‌کنند، سایر درباریان اطراف آن‌ها متوجه می‌شدند و علیه آن‌ها عمل می‌کردند؛ بنابراین، تلاش برای جلب لطف استاد باید ظریف باشد؛ و حتی درباریان ماهر که قادر به چنین ظرافتی بودند، هنوز باید از خود در برابر هم‌زمان درباری‌شان که در هر لحظه قصد داشتند آن‌ها را کنار بزنند محافظت می‌کردند.

در همین حال قرار بود دربار اوج تمدن و تهذیب را نشان دهد. بنابراین حرکات خشونت‌آمیز یا آشکار قدرت مورد توجه قرار نگرفت. درباریان در سکوت و مخفیانه علیه هر یک از آن‌ها که از زور استفاده می‌نمودند کار می‌کردند. این معضل درباریان بود: درحالی‌که خود را به مظاهر ظرافت نشان می‌دادند، مجبور بودند مخالفان خود را به ظریف‌ترین راه‌ها گول بزنند و خنثی کنند. یک درباری موفق به مرور زمان یاد گرفت که تمام حرکات خود را غیرمستقیم کند. اگر از پشت به حریف خنجر می‌زد، اما همچنان لبخندی شیرین بر لب داشت. یک درباری کامل به‌جای استفاده از اجبار یا خیانت آشکار، راه خود را از طریق اغواگری، جذابیت،

فریب و استراتژی ظریف انجام داد و همیشه چندین حرکت را پیش رو برنامه‌ریزی کرد. زندگی در دربار یک بازی بی‌پایان بود که مستلزم هوشیاری مداوم و تفکر تاکتیکی بود. جنگ تمدنی بود.

امروز ما با پارادوکس مشابهی با درباریان روبرو هستیم: همه چیز باید متمدن، شایسته، دموکراتیک و منصفانه به نظر برسد؛ اما اگر با آن قوانین خیلی سخت‌گیرانه عمل کنیم، اگر آن‌ها را خیلی تحت‌اللفظی در نظر بگیریم، توسط اطرافیانمان که آن‌قدرها هم احمق نیستند خرد می‌شویم. همان‌طور که دیپلمات بزرگ رنسانس و دربار نیکولو ماکیاولی نوشت: «هر کسی که سعی می‌کند همیشه خوب باشد، در میان تعداد زیادی که خوب نیستند، نابود می‌شود.» دربار خود را اوج پالایش تصور می‌کرد. سطح پرزرق‌وبرق آن دیگ عواطف تاریک- طمع، حسادت، شهوت و نفرت جوشیده شده است. دنیای امروز ما، به‌طور مشابه خود را اوج انصاف تصور می‌کند، باین‌حال همان احساسات زشت همچنان در درون ما موج می‌زند، همان‌طور که همیشه بوده است. بازی هم همین‌طور است. ظاهراً باید به زیبایی‌ها احترام بگذارید، اما در باطن، مگر این که احمق نباشید، به سرعت یاد می‌گیرید که محتاط باشید و همان‌طور که ناپلئون توصیه کرد انجام دهید: دست آهنی خود را در یک دستکش مخملی قرار دهید. من درباری دوران گذشته را دوست دارم، شما می‌توانید بر هنرهای غیرمستقیم مسلط شوید، یاد بگیرید که اغوا کنید، افسون کنید، فریب دهید و به‌طور نامحسوس بر مخالفان خود غلبه کنید، به اوج قدرت دست خواهید یافت. شما قادر خواهید بود مردم را وادار کنید که به خواسته شما خم شوند بدون این که متوجه شوند شما چه کرده‌اید؛ و اگر ندانند چه کرده‌اید، نه از شما رنجیده می‌شوند و نه مقاومت می‌کنند.

برای برخی از مردم، تصور بازی‌های قدرت آگاهانه - مهم نیست که چقدر غیرمستقیم - شیطانی، غیراجتماعی و یادگاری از گذشته به نظر می‌رسد. آن‌ها بر این باورند که می‌توانند با رفتارهایی که ربطی به قدرت ندارند، از بازی خارج شوند. شما باید مراقب چنین افرادی باشید، زیرا درحالی که آن‌ها در ظاهر چنین نظراتی را بیان می‌کنند، اغلب جزو ماهرترین بازیگران قدرت هستند. آن‌ها از استراتژی‌هایی استفاده می‌کنند که ماهیت دست‌کاری درگیر را به طرز ماهرانه‌ای پنهان می‌کند. به‌عنوان مثال، این‌گونه‌ها اغلب ضعف و عدم قدرت خود را به‌عنوان نوعی فضیلت اخلاقی نشان می‌دهند؛ اما ناتوان واقعی، بدون هیچ انگیزه‌ای از منافع شخصی، ضعف خود را برای جلب همدردی یا احترام آشکار نمی‌کند. نشان دادن ضعف خود در واقع یک استراتژی بسیار مؤثر، ظریف و فریبنده، در بازی قدرت است (به قانون ۲۲، تاکتیک تسلیم مراجعه کنید).

یکی دیگر از استراتژی‌های غیربازیکنان فرضی این است که در هر زمینه‌ای از زندگی برابری طلب کند. باید فارغ از موقعیت و قدرت با همه یکسان رفتار کرد؛ اما اگر برای

جلوگیری از لکه‌دار شدن قدرت، سعی کنید با همه یکسان و منصفانه رفتار کنید، با این مشکل مواجه خواهید شد که برخی از افراد برخی کارها را بهتر از دیگران انجام می‌دهند. رفتار یکسان با همه به معنای نادیده گرفتن تفاوت‌های آن‌ها، ارتقای مهارت‌های کمتر و سرکوب کسانی است که برتر هستند. باز هم بسیاری از کسانی که این‌گونه رفتار می‌کنند، در واقع استراتژی قدرت دیگری را به کار می‌گیرند و پاداش‌های افراد را به گونه‌ای که خودشان تعیین می‌کنند، توزیع می‌کنند. راه دیگری برای اجتناب از بازی، صداقت و صراحت کامل خواهد بود، زیرا یکی از تکنیک‌های اصلی کسانی که به دنبال قدرت هستند، فریبکاری و پنهان‌کاری است؛ اما کاملاً صادق بودن به‌ناچار به افراد زیادی صدمه می‌زند و به آن‌ها توهین می‌کند که برخی از آن‌ها در ازای آن تصمیم می‌گیرند به شما صدمه بزنند. هیچ‌کس اظهارات صادقانه شما را کاملاً عینی و عاری از برخی انگیزه‌های شخصی نخواهد دید؛ و حق خواهند داشت؛ در حقیقت، استفاده از صداقت در واقع یک استراتژی قدرتی است که هدف آن متقاعد کردن مردم به شخصیت نجیب، خوش‌قلب و فداکار است. این یک شکل ظریف از اجبار و نوعی متقاعد کردن محسوب می‌شود.

در نهایت، کسانی که ادعا می‌کنند بازیکن نیستند، ممکن است هوای سادگی را تحت تأثیر قرار دهند تا از این اتهام که دنبال قدرت هستند محافظت کنند. باین‌حال، دوباره مراقب باشید، زیرا ظاهر ساده می‌تواند وسیله‌ای مؤثر برای فریب باشد (به قانون ۲۱ مراجعه کنید)؛ و حتی سادگی واقعی نیز عاری از دام قدرت نیست. کودکان ممکن است از بسیاری جهات ساده باشند، اما اغلب از روی یک نیاز اساسی برای به دست آوردن کنترل بر اطرافیان خود عمل می‌کنند. کودکان به شدت از احساس ناتوانی در دنیای بزرگسالان رنج می‌برند و از هر وسیله‌ای که در دسترس است برای رسیدن به مسیر خود استفاده می‌کنند. افراد بی‌گناه واقعاً ممکن است هنوز برای قدرت بازی کنند و اغلب به طرز وحشتناکی در بازی مؤثر هستند، زیرا بازتاب مانع آن‌ها نمی‌شود. بار دیگر، کسانی که نمایش بی‌گناهی برپا می‌کنند، کمتر از همه بی‌گناه هستند. شما می‌توانید این غیر بازیکنان مفروض را از طریق به رخ کشیدن خصوصیات اخلاقی، تقوایشان و حس بدیع عدالتشان بشناسید؛ اما از آنجایی که همه ما تشنه قدرت هستیم و تقریباً تمام اقدامات ما برای به دست آوردن آن است، غیر بازیکنان صرفاً خاک در چشمان ما می‌ریزند، ما را از قدرت خود منحرف می‌کنند و با هوای برتری اخلاقی خود بازی می‌کنند. اگر آن‌ها را از نزدیک مشاهده کنید، در واقع خواهید دید که آن‌ها اغلب در دست‌کاری غیرمستقیم ماهرترین هستند، حتی اگر برخی از آن‌ها ناخودآگاه این کار را انجام دهند؛ و آن‌ها به شدت از هرگونه اطلاع‌رسانی در مورد تاکتیک‌هایی که هر روز استفاده می‌کنند ناراحت هستند.